پرچم

د افغانستان د خلک د موکراتیک افکارو خپرونکی

۱۶ جدی ۱۳۴۷

فقر و بیکاری
در شهر کابل

شهر کابل که پایتخت کشوراست ، باصطلاح پیشرفته ترین نقطه افغانستان بشمار میرود ، زیرا دررشد نا کافی و نا متوازن اقتصاد وفرهنگ کشور قسمت اعظم مراکزفرهنگی واجتماعی ، فعالیت ها و تشبثات اقتصادی و سر مایه گذاری ها، علاوه بر ادارات دولتی دراین شهر متمرکز شده است .

شهر کابل که به اصطلاح بزرگترین و زیبا ترین شهر کشور است و در میان شهر های دیگر مملکت باز هم به اصطلاح چون «ستاره میدرخشد» فیصدی بزرگ اهالی آن به بد ترین وجهی بافقر ، بدبختی وبیکاری دست به گریبانند . جاده ها ، خیابانها ، کوچه ها و پس کوچه های این شهر مظهر بزرگتر ین تضادهای اجتماعی است .

بیکاری مزمن و روز افزون یکی از امراض بد بختی آور این شهر است ، از یکطرف نفوس اضافی دهات برای پیدا نمودن نان وگریز از فقر وگرسنگی ، بسوی شهر هاو بالاخص شهر کابل رومیاورند، که دستگاه های صنعتی وساختمانی وفعالیتهای اقتصادی محدود کابل هرگز قادر به جذب این سیل بیکاران نبوده است . آنها که به آرزوی رهائی از چنگال بیرحم فقر در ینجا میرسند همه در های امید را بر روی خویش بسته می یابند. از طرف دیگر کابل نیز مانند دهات نفوس اضافی خود را که در نتیجه پروسه عدم هم آهنگی میان رشد وازدیاد نفوس ایجاد میگردد ، به این گروه بیکاران میافزاید و هم تعداد زیادی ازپیشه‌وران وکسبه ورشکست گردیده و عده‌ئی دیگری از ماموران پائین‌رتبه و کارگران که بنا بمهای مختلف (اضافه بست ، اخراج وغیره) از ادارات و فابریکات برون میر یزند به این گروه اضافه میشوند ، هر دیدهٔ بینایی میتواند نا ظر دربدری این سپاه بیکار ان باشد که اکنون بی نو یافت کار سر گردانند.

درقسمت های دهمزنگ ، پل‌خشتی، شهر آراء وغیره جا هایی که مراکز عرضهٔ کار های تعمیرا تی است هزاران نفر کار گر ماهر و غیر ماهر ساختمانی از صبح خیلی زود تا نیمه های روز به انتظار در یافت کار می نشینند وفقط عدهٔ بسیارقلیل و «خوشبخت» آنها میتوانند کاری بیا بند و مزد نا چیزی بدست آورند ودیگر ان بادستهای خالی، وشکم های گرسنه باز میگر دند .

خلاصه اینکه درشهر کابل عرضهٔ کار بمقیاس وحشت آوری بر تقاضا فزونی دارد واین امر زمینهٔ بسیار مساعدی زابرای سوء استفاده های فراوان استثمار گران، بز یان کارگران وطبقات پائین جامعه به وجود آورده است .

دامنهٔ فقر هر روز گسترش بیشتر می یابد ، چنگال فقر تنها گلوی هزاران کارگر زحمتکش بیکار شهررا نمی فشارد ، بلکه اکثریت بزرگ اهالی شامل کار آن نیز بعلت عوایدنا چیز و ثابت خویش در برابر نو سانات قیم و صعود نا سالم آن قادر به تا مین حد اقل وسایل زندگی بیستند .

مؤجز اینکه اهالی شهر کابل مانند مردم سراسر مملکت در چنگال فقر، بیکاری ، بیخانگی و صد ها فلاکت دیگر گرفتار اند که علت اصلی این همه بد بختی و جود نظام فر توت اجتماعی- اقتصادی فئو دالی در کشور می باشد .

((ب، ر))

کارگران ساختمانی انکشاف وادی ننگرهار برای رفع مشکلات صنفی خویش
دست به اعتصاب زدند .

اطلاع مید هند که روز چار شنبه ۲۸ قوس (۳۰۰) نفر کارگر مدیریت ساختمانی آمریت اول ریاست انکشاف وادی ننگر هار دست بـه اعتصاب یکروزه زدند و مظاهره کنان بطرف مرکز ریاست حرکت کردند ، تا خوا ستهای قا نونی خویش را به رئیس پروژه ارائه کنند . ولی وی بدون اینکه جواب قناعت بخشی در برابر مطا لبات قانونی کار گران بدهد ، اداره را ترک گفت و این امر موجب آن شد تا بروز (٤) جدی کار گران مو صوف باز دیگر دست به اعتصاب بز نند . ولی متا سفانه باز هم به خوا ستهای ایشان با بی اعتنائی بر خورد گردید وهیأتی به غرض تهدید وتحت فشار قراردادن کارگران تعیین شد . معهذا کارگران وطنپرست کانال در دفاع از حقوق صنفی خود استواری نشان دا د ه و اعلام کردند : تا در مورد مطالبات قانونی آنان پاسخ مثبت ارائه نگردد، به اعتصا بات خود ادامه دهند .

خوا ستهای عمدهٔ کار گران در رفع مشکلات آتی خلاصه میشود :

- معا شات ایشان در اخیر هرماه تادیه نمی گردد ،
- بیمه صحی وجود ندارد . در حالیکه یکمقدار پول از معاش آنها وضع میگردد .
- یکمقدار پولیکه بنام تقاعد ا ز معاش کارگران وضع میگردد ، د ر پایان قرار داد برای ایشان مسترد نمیشود .
- وسائل انتقال کار گران تا ساحه کار و باز گشت وجود ندارد .
- در مورد رخصتی های قا نونی کار گران بر خورد درست صو رت نمیگیرد .
- وضع اعاشهٔ کا گران قناعت بخش نیست .
- درجهٔ کار گران مطابق به استحقاق داده نمیشود .
- بر خورد آمرین در برا بر کارگران درشت و خشن است .

نور و تاریکی

درژر فای مخوف ظلمت ، آنجاکه پهنه پیکرانه هستی خلق ، جولانگاه سمند هو سهای پاسداران ظلمت است ، در خراب آباد سیاهی که از سنگ سنگ خونین آن فریادضجه ها و نا له های هزاران زند گی بر باد رفته ، هزاران امید درخاک گشته به آسمان بلند است .

آری ! در ژرفای همین تاریکی ، نطفه نور در تکوین است ، وتاریخ آبستن این نو زایی

ولی پاسداران شب که از نور بخاطر حقیقت روشن آن متنفرند که آن را بر ملاگر نقش های زشت خویش می پندارند ، مذبو حانه تلاش دارند نطفه نور را ، نطفه فر زند برومند زمان را در دل تاریخ خفه کنند.

واین، آغاز گاه مهیب نبرد است :نبرد نور وتاریکی ، نبرد کهنه و نو، نبرد حق وباطل .

وتو ، همو طن من، برادر من! که پای هر دویمان درسلسله یک زنجیر در بند است ، بیا در حماسه شگفت این «نورزائی کبیر» سهیم باشیم .

بیاهر جاکه ظلمت است ، نوررابرافروز انیم - گستر ش دهیم و آن شعله ها ی پنها نی خشم رابه عصیان در آوریم .

هموطن من ! بپاشو ، حما سه سترگ شکست سکوت دیر پا برا انگیز انیم و طنین فریاد های عصیا نگر خود را در خلال امواج خرو شان سرکش آمو- بر فرا زقله های مغرور هندو کو ه ـ دردامن صخره ها ی خو نین خیبر ـ دربیکران ریگستان های تف زدهٔ نیمروز همآواز زمزمه های حماسه آفر ین امواج پر تپش هر یوا ، به جریان درآور یم .

برادر من ! تک تک قطره ها را بهم آریم ، آن رادریک مسیر به جریان درآوریم ، وچو نان سیلی بنیان کن به جلو تازیم . چه غرور آفرین است چون سیل - خرو شیدن - جهید ن و پیشتا زیدن ، وچه ننگین وشرم آور ست ، بادرک مسیر وا حد ، گرد خود گشتن - در خود پیچید ن ودشمن مشترک رافرا موش کردن .

همو طن !راه ما رو شن است ، «پرچم» درخشان آر ما نها ی خلق، چون شرا فت زند گی ما ، زینت بخش دو ش ما ورو شنگر را ه ما ست .

برنده ترین سلاح در نبرد ایما ن ما ست : ایمان به خلق ، ایمان به جوشش خلل ناپذیر، ایمان به هدف، ایما ن به پیرو زی - ایمان به فردای درخشانی که همه برای رسیدن به آن، باغول شب در نبرد یم خواه ناخواه پر تو گر م خور شید صبح فردای انسانی را بر گونه ها ی خو یش احساس خو اهیم کرد، زیرا :

نور در همه حال ، در همه جا برظلمت غلبه پذیر است ، همان طور که هر چیز نو ، کهنه را بثبت زباله‌دان تاریخ می کند .

این ،ایمان تزلزل ناپذیر ماست. (د.ک)

از (ص اول)

در باره اعلامیه حقوق...

بیروکراسی ملاکی وبورژوا ز ی تجاری دلال ووابسته به امپریالیزم از «تساوی شرایط» سخن زد وبا تساوی حقوق درادارهٔ عمومی کشور خودشرکت کرد و بمشاغل عمو می کشور خود نایل آمد؟

سوال جدی دیگر در زمینه ماده فوق اینست که : در شرایط نظا م کنونی که تمام قدرت های سیاسی، ا قتصا د ی ، ا جتما عی و فر هنگی د ر د ست یک طبقه حاکمه مرتجع وماهیتامستبدقراردارد، پس عملا چطور میتواند اراده مرد م حکومت کند ؟

مردم کشور ما که هرروز در زیر چنگال مرتجعین ومتنفذین دست وپا میزنند ، چگونه میتواند اراده آزاد خودرا بوسیله انتخابات ابراز دارد؟ آیا هم اکنون عملاجناح دست راستی ومقامات حاکمه مرتجع ، و دستگاه های جاسوسی آنها بشیوه سی آی دی و سی آی ای ، به شیوه بنا پارتیزم و یا واضح تر به شیو ه استبداد قرون وسطائی ، شروع به تهدید وتخویف نکرده اند؟ تا در انتخابات دوره سیزدهم شوری و انتخابات ښاروالی ها ، چرگه های ولایتی اراده آزاد مردم را سلب نمایند وجلوشرکت بهترین وصدیق‌ترین فرزندان خلق را ، شریفترین وطنپرستان ونیرو های فدا کار مترقی و ملی ودموکراتیک رامسدود سازند وبه نحوی از انحا علیه آنان توطئه و دسیسه نمایند و حتی دسیسه ترور و مرگ آنانرابچینند. هم اکنون در جناح دست راستی محافل حاکمه ارتجاعی مطرح است که اعضای مو جود فر کسیو ن دموکراتیک خلق افغانستان را در شوری، بعد از ختم «مصونیت پارلمانی» علی رغم ماده پنجاه ویکم قانون اساسی افغانستان و ماده فوق اعلامیه حقوق بشر در شبکه‌ای از توطئه ها و دسایس وحشتنا کی قرار دهند ، ز یرا فر کسیون دموکراتیک خلق افغانستان در شوری مطابق به ماده چهل ویکم قانون اساسی از اراده مردم افغانستان نمایندگی کرده‌اند . دسیسهٔ ترور اعضای فرکسیون دموکراتیک خلق افغانستان در جریان اجلاس شو ری بتاریخ ۸ قوس ۱۳۴۵ مؤید این ادعای ماست.

سوال درینجاست که پس چطور میتوان در شرایط نظام کنونی سیاسی ،اقتصادی و اجتماعی مطابق به ماده بیست ویکم فوق الذکر اعلامیه حقوق بشر وماده چهل ویکم قانون اساسی افغانستان که میگوید: «شوری افغانستان مظهر اراده مردم آنست واز قاطبه ملت نما یند گی میکند .

مردم افغانستان به توسط شوری در حیات سیاسی مملکت سهم میگیرند .

هر عضو شوری در حالیکه ازیک حوزه معینی انتخاب شده در مو قع اظهار رأی مصالح عمومی افغانستان را مدار قضاوت خود قرار میدهد » «اراده مردم» واز ینکه «حاکمیت ملی در افغانستان بـه ملت تعلق دارد...» از ماده اول (قا نو ن اساسی) حرفی در میان آورد ؟

- مواد ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و۲۶ اعلامیه حقوق بشر بیان کننده حق وآزادی افراد جامعه بقرار ذیل میباشد : حق امنیت اجتماعی،حق کار ، آزادی انتخاب شغل ،حق حمایت در مقابل بیکاری ، حق اجرت (مزد) مسا وی در مقابل کار مساوی ،حق مز د رضایت بخش کـه زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسا نی تأمین کند ، حق تشکیل اتحادیه - های صنفی ،حق تأمین زند گی در صورت بیکاری ، بیماری ، معلولی، پیری ،حق استراحت وتـفـریـح و مرخصی با اخذ معاش ، حق کمک وحمایت مخصوص مادرواولاد هایش حق تحصیل مجانی در مکاتب ابتدائی واساسی ، تعمیم آموزش حرفه ای، حق تحصیلات عالی بـه تـناسـب استعداد ، تنظیم پروگرام درسی به نحوی که احترام حقوق و آزادی های بشری را تقویت کند، دوستی بین ملل وحفظ صلح را تسهیل نماید .

بکمال تاسف باید اعلام داشت که هیچیک از این حقوق و آزاد یهای بشری عملا در افغانستان وجود ندارد . اخراج صدها و بیکاری ده‌ها هزار کارگر ماهر ونیمه ماهربدون دریافت جزئی ترین کمک ، و جود ملیونها انسان کشورکه فاقد کا ر تولیدی وثمر بخش اند ، استثمار کود کان ،زنان ، محرو میت ۸۵/۵- فیصد اطفال ازرفتن به مکاتب ابتدائی واساسی، سرگردانی ده ها هزار فارغ التحصیل های صنوف ۶ و۹و ۱۲ در پشت دستگاه اداری دولت ودر لیسه ها و پوهنتون ، ممانعت کارگران،ماموران،محصلان،وغیره صنوف برای تشکیل اتحادیه ها ... وغیر وغیره همه مؤیداین حقیقت ا ست که در افغانستان نه تنها مواد اعلامیه حقوق بشر مورد تطبیق قرار نمیگیرد ،بلکه قانون اساسی کشور وابتدائی ترین حقوق انسانی نیز پایمال میگردد .

سوال میشود چرا و مقامات حاکمه کشور بکدام جرأت و بروی کدام دلیل مشهود احترام بحقوق بشر را ادعا می نما یند ؟ مگر هر روز فریاد اعتراض خلق افغا نستان بلند نیست ؟ اینها همه سوالهائی است که خلق افغانستان خـود در جریان نبرد عادلانه آزادیبخش ملی واجتماعی آنها را حل خواهد کرد

وبر چمداران دمو کراتیک خلق افغانستان به عنوان نیروی مسئول وپیشآهنگ از درد ها وخواستهای خلق خود دلیرانه ترجمانی و دفاع خواهد نمود وتبلیغات کاذب و عوامفریبانه هیأت حاکمهٔ افغانستان که کاهرا کوه نشان میدهدو افکار عامه مردم کشور ما وجهان را از توجه به واقعیت های تلخ زند گی منحرف میسازد وصرف درنظرحرف از احترام به حقوق بشر میزنند ، افشا خواهد کرد .

«دوکتور اناهیتا»

سقوط مرگبارو تاسف آور طیاره بوئنگ ۷۲۷
آریانا در لندن

آخرین خبر میرساند که طیارهٔ جت بوئینگ ۷۲۷ شرکت هوائی آریانا ساعت ۱۰ر۶ - روز ۱۵ جدی در اثر تصادم بایکی از عمارات نزدیک به میدان هوائی لندن منفجر گردیدواز جملهٔ ۶۷ نفر سر نشینان آن صرف ۱۵ نفر از مرگ آنی نجات یافته است .

این طیاره چندی قبل بقیمت گزاف یعنی بیشتر از ۷ ملیون دالر کـه اضافه از پنجصد ملیون افغانی میشود ، علی‌رغم ضعف بنیهٔ مالی کشور ، دراثر تمایل شرکت هوائی پان امریکن از ایالات متحدهٔ امریکا خریداری شده بود .

حادثه وقتی صورت گرفت کـه میدان هوائی لندن را دمهٔ غلیظی فراگرفته بود . معمولا در چنین مواقع رهنمائی ترافیک میدان وترتیبات تخنیکی داخل طیـاره وسیله‌ایست که طیاره را ازتصادمات وسقوط نجات میدهد . اما معلوم نیست که این حادثه در اثر غفلت موظفین ترافیک میدان هوائی لندن صورت گرفته و یا عوامل دیگری .

بهمه حال سقوط طیارهٔ بوئینگ (صرف نظر ازینکه تاکنون اینوع طیارات قربانیهای فراوانی در گوشه وکنار مختلف جهان برسر نشینان خود تحمیل کرده است) از لحاظ تلفات انسانی قابل تأثر عمیق بوده و خسارهٔ ملی آن بملاحظه ضعف شدید اقتصاد ناتوان کشور ، مایهٔ تاسف میباشد .

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر :سلیمان لایق

پته :زرلښت مارکیت محمدجانخان واټ

د تیلفون لمبر : ۲۳۱۶٤

دیوې گڼې بیه ۵۰ر۲ افغانی

دولتي مطبعه

از (ص ۲)

هنر ونقش آن در زند گی...

فنی بخش های مخصوص خویش هر چه کاملتر ، رساتر وگیرا تر منعکس می سازد ، نمیتواند باجریان تکامل مناسبات مادی و تو لیدی جامعه ار تباط نا گسستنی ندا شته باشد وبا تغییر وبالندگی و تکا مل زندگانی اجتماعی تغییر نپذیرد .

هستی هنر های گوناگون ما نند حجاری ، معماری ، نقاشی ، سینما، تیاتر ، موسیقی وادبیات در نتیجهٔ وجود تنوع در پدیده ها وحوادث واقعیت و تفاوت شیوه های انعکاس آنها در آثار هنری ، از شواهد بر جستهٔ این مدعاست .

برادران همزاد علم ، فلسفه و هنر هر سه برای شناخت وا قعیت خدمت میکنند .اما هنر مانند علم واقعیت را درمفاهیم انعکاس نمیدهدو بشیوه انتزاع و تعمیم متو سل نمیشود ومانند فلسفه به تعمیم نتایج علوم نمیپردازد ، بلکه واقعیت را بشکلی که با احساس یافته شود، بشکل نمونه های مشخص وتیپیک هنری انعکاس میدهد ، که خود نوعی تعمیم بشمار میرود . در نمونه های هنری خصو صیتها ی کلی و ما هوی وا قعیت تجلی میکند که این خصو صیتها بو سیله خصوصیات فردی تصویر هنری روشنتر ،گویا تر ومحسوس تراز آب در می آید وبهمان پیمانه هم قدر ت کشش و تاثیر آن قویتر است .

مولود زیبای هنر که یـکی از نخستین فرزندان مادر گرامی خویش جامعهٔ بشریست ، از پستان کار و زحمت انسان ، این دایهٔ پر فیض ومهربان شیر خورده واز آنگاه که بحرکت افتاده است ، گا هی بـه پیش ، وقتی همگام و زمانی هم به دنبال اوراه پیچ درپیچ تکامل راتا زمان پرآشوب ما پیموده است وهر گز رابطهٔ خود را با آفر ینندهٔ خویش (جامعه) وفعا لیتهای او در جر یان کار های مادی و تولیدی وی قطع نکرده است ، البته با این تفاوت که در آغاز مستقیماً با فعالیت های روزانه انسان در آمیخته بود ، ولی اکنون بیشترغیر مستقیم وباواسطه با او د ست اندر کار حرکت و تکامل است . اگر در جریان این رابطه ، بتواند بدرستی از عهده انجام وظیفه اش ، یعنی نمایش وتمثیل واقعیت در برابر و پیروز مندا نه بدر آید ، مایه آسایش فکر وروا ن والهامبخش کار و فعالیت وی خواهد بود .

(باقیدارد)

م.۱. خیبر

د صیهونیت او امپریالیزم نوی ماجراجویانه عمل د نړۍ سوله تهدیدوی

په ویتنام کې د سولې د مېنځ ته راتلو هیله لا سر ته نه ده رسېدلې، د پاریس د سو لې کنفرا نس د امپر یا لیزم او د هغه د نما ینده سیګونی رژیم د کار شکنی ، راز زاز پلمو او بې ځایه وخت تیر ولـو د سیا ست له کبله لا شروع شوی نه دی ، د امپر یالیزم د پخوا نیو دسیسو او تیریو له کبله د منځنی ختیځ فضا په تورو لړو هغسې پټه‌وه چه د اسرا ئیلو بر غلګرو نوی‌تیری او ما جرا جو یانه عمل ، د بیروت په بین المللی هوائی ډګر باندې د مسلح هوائی تیری پیښې د منځنی ختیځ پخوانی کړ کیچنه وضعه له پخوانه زیاته خړه پړه کړه او د دغې غمځپلی سیمې د پرابلمو نو د سیاسی سوله ئیز حل د پاره ئې ټولی هڅې او هیلې نا کامی ته نژدې کړې .

په لبنان کښې د بیروت په بین المللی هـوائی ډګر بـاندې د اسرا ئیلی تیری کو ونکو نوی تیری چه (۱۳) تجارتی او مسافر وړو نکی الوتکې ئې له منځه یو وړلې او ډګرته ئې هم زیان ورسا وه ، په هیڅ ډول د امریکې له‌خوا اسرا ئیلوته د ۵۰ فانتوم ډوله جنګی جټ الو تکو د ور کولو له اعلان سره بې ارتباطه نه دی ، د اسرا ئیلو د شل کلن عمر تجربې دا ښیی چه اسرا ئیلی یرغلګرو یواځې هغه وخت دعربی هیوادو په ضد په یرغل لاس پوری کړی د ی چه د امریکې ، لویدیځ آلمان یا کوم بل امپر یا لیستی دولت له خوا ئـی دوسلو او نورو نظامی او سیا سی مرستو او ملاتړ ډاډ پیدا کړی دی .

دمثال په‌ډول دلو یدیځ آلما ن (دی بیله سایتو نګ) نومی ورځ پاڼه په عربی هیوادو باندې د اسرا ئیلو د تیر کال د حملې په باره کښې داسې لیکی :

«هغه وسلې چه په عربی هیوا دو باندې ئې د اسرا ئیلو نظامی برې آسان کړ دلو یدیځ آلمان له خوا ورکړ شوی وی .»

سره له دی چه د ملګرو ملتو د امنیت د شورا په وروستی اضطراری غونډه کښې امریکې او د اسرائیلی صیهونیانو نورو حامیانو ونشو ای کو لای چه د خپلی محبوبې په وروستی خرګند او رسوا تجا ز باندې سترګې پټې کړی او هغه ونه غندی ، خو له بلې خوا د امریکا حکو مت دناوړو پیښو د مخ نیوی په بلمه او په‌حقیقت کښې داسرائیلو دسا تنې او اطمینان په خاطر خپل شپږم نمبر بحری اردو ته دتیارسی امر ور کوی پداسې حال کښې چه په عربی هیوادو باندې د اسرا ئیلو دتیر کال پـه تیری کښې خرګند لمسوونکی او تشویقو ونکی رول د لود او په شپږم نمبر بحری‌بوری مر بوطی «لبرتی» نومی استخبا را تی بیړی داسرا ئیلو دتیری په لاربنونه او دعربی هیوادو دعسکری مخابراتی سیستم په شنډولـو کښې خر ګنده برخه لرله .په دی اساس ویل کیدای شی چه‌دامریکې له خوا اسرا ئیلو ته دنویو نظامی مرستو ورکول اود نویو پیښو په زړ کښې د امریکې د شپږم نمبر اردو تیار سی کیدل ، په هیڅ ډول د تازه ناوړه پیښو د مخ نیوی له‌مسالې سره ارتباط نلری . بلکه ددی په عکس دغه عمل اسرائیل لاز یاتو تیر یو او فجایعو ته لمسوی اولړی نه ده چه دیو بل دغه شان ما جرا جویانه عمل له لاری د منځنی ختیځ او ټولی نړۍ سوله په خطر کښې واچوی .

سره له دی چه د ملګرو ملتو د امنیت د شورا له خوا د رایو په اتفاق په لبنان کښې د بیروت په بین المللی هوائی ډګر باندې د اسرا ئیلو نا روا یرغل وغندل شو او لبنان نې د رسیدلی تاوان مستحق وګڼل ، خو باور لرو چه اسرا ئیل به دیخوا په شان دامنیت دشورادغې فیصلې ته هیڅ اهمیت ور نکړی اونه به‌لبنان ته درسیدلی زیان تاوان ورکړی . ترخو چه اسرا ئیل د امریکې ، لویدیځ آلمان او نو رو امپریا لیستی هیوا دو لـه مادی او معنوی مرستو او ملا تړ څخه ډاډ ولری او شپږم نمبر اردو یې هم د تیار سی په حال کښې هر ډول خدمت (!) ته چمتو وی ، هیڅکله به دغه شان فیصلو او غند لو ته اهمیت ور نکړی ، که څه هم ډیری سختی وی .

پـه داسې حال کښې چه د اسرا ئیلو دغه کړ کیچن عمل ته په ډیره کرکه سره ګورو او خپل عمیق تشویش خرګند وو ، د نړۍ له ټولو سوله غو ښتو نکو قواؤ نه غوښتننه کووچه امپریا لیز م او صیهو نیت د تیریو په مقابل له عربی هیوادو سره لازمه او ضروری مـادی او معنوی مرستې وکړی او له دغې لارې ږی نړدی چه‌د نړۍ سوله د هغو دتوسعه غو ښتنې او امپر یا لیستی خواهشاتو قر بانی شی .

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

عمر فیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شماره چهل ودوم دو شنبه ۱۶ جدی ۱۳۴۷ ۵ جنوری ۱۹۶۹

ببرک کار مل

پیکار عادلانهٔ ما در راه تأمین
ترقی اجتماعی ورفاه عمومی خلق وطن ما افغانستان

نیروی دمو کرا تیک خلق افغانستان به پیشگاه خلق، در برابر پیکا رعادلانه آزادیبخش ملی و دمو کراتیک در کشور ما هد ف های صلح، استقلال ملی، دمو کراسی، تر قی اجتماعی ورفاه عمومی را قرار داده است. در باره صلح، استقلال ملی ودمو کراسی قبلا صحبت های فراوان کرده ا یم. اکنون هدف های دو گانهٔ ترقی اجتماعی ورفاه عمو می خلق کشور را مورد بحث قرار میدهیم وتوام باتوضیح موجز علمی در باره این دوهدف، از نظام موجوددرکشور انتقاد علمی مینمائیم.

قبل از اینکه وارد بحث دوگانهٔ فوق شویم باید یکبا ر د یگرخاطر نشان ساخت که در شرایط کنونی نیل به ترقی اجتماعی ورفاه عمومی در جامعه افغان، بدون تعقیب یک سیاست صلح آمیز و استقرار کامل استقلال ملی (سیاسی واقتصادی) وتعمیم د موکراسی و ایجاد یک حکومت دموکراتیک وملی از تمام نیروهای ترقیخواه ووطنپرست دریک جبهه وسیع امکان پذیر نیست . زیراکه:

۱- صلح برای ما وتمام خلقهای جهان یک امر حیاتی، ویک ضرورت مبرم برای تامین استقلال ملی و تعمیم دموکراسی بشمار میرود.

۲- استقلال ملی (اعم از سیاسی و اقتصادی) زمینه رشد وتکامل همه جانبه وسالم جامعه ملی ما را تامین مینماید . لذا استقرار استقلال ملی بدرجه اول تشکیل یک دولت ملی را ایجاب میکند.

۳- د موکراسی واقعی که شکلی از حکومت است، مساعد ترین شکل برای احیای استعداد های مردم و جلوگیری ازبیرو کراتیزم واستبداد میباشد.

بنا براین د موکراسی شر ط ضروری واولیه رشد وتکامل و ترقی سالم اجتماعی دوران معاصرمحسوب میگردد. به همین جهت است که گفته میشود: « مبارزه در راه دموکراسی جز لاینفک مبارزه درراه سوسیا لیسم است.»

باتذکرفور مولبندی شده فوق، میپردازیم به ارزیابی هدفهای ترقی اجتماعی ورفاه عمومی خلق افغانستان.

ترقی اجتماعی :

واقعیت انکار ناپذیر است که کشور مادر تمام شئون حیا تی اعم از اقتصادی ، اجتماعی، سیاسی وفرهنگی قرنها از کشو ر های پیشرفته جهان عقب مانده است. متاسفانه درین عقب ماندگی هم در چنان وضع بدی قرار داریم که کشورهای مترقی جهان بصو رت شگفت انگیزی بسرعت ماشین به پیش میروند، ولی جامعه ما باپای «کاروان شتر» حرکت میکند، که طبعا میان این دونوع حرکت روز بروز فاصله وشگاف عمیقتر و وسیعتر میگردد. به همین جهت وظیفه فوری وضروری وحیاتی که در وضع کنونی در مقابل ما قرار دارد عبارتست از ایجاد شرایط مساعد اجتماعی بخاطر تامین آهنگ سریع وهمه جانبه رشد وترقی جامعه افغانی ما، تابتواند عقب ماندگی چندین صد ساله مارا طی مدت کوتاهی جبران کند .

سوالی مطر ح بحث قر ار میگیرد که ترقی یعنی چه و معیار ترقی کدام است ؟ تئوری علمی پاسخ میدهد که ترقی «یعنی حرکت سریع وجامع یک جامعه در مسیر رشد در جهت رسیدن به سطح جهانی تکنیک ،کولتور و نظام عا د لانه اجتماعی» معیار ترقی عبا رت است

(ص۲)

-۲-

در باره اعلامیه حقوق بشر
و کیفیت اجرای آن در کشور ما

ـ«ماده بیستم- (۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد .

(۲) هیچکس را نمیتوان مجبور بشرکت در اجتماعی کرد »

آیا وا قعا در افغانستان هر کس حق دارد که بـه صورت آزادانه مجامع وجمعیت های سیا سی، اجتماعی و فرهنگی مسالمت آمیز را تشکیل دهد ؟

محتوی ماده فوق تماماً درقانون اساسی افغانستان وجود دارد ، ولی نه‌قانون اساسی ونه اعلامیه حقوق بشر ،موردتطبیق قرارمیگیرد.سو ال میشود چرا ؟ چرا هیات حاکمه ، قوای سه‌گانه دولت واداره نمیگذارد، اتحادیه‌ های کار گران ، محصلان ، جوانان ، نویسندگان ودیگراتحادیه‌ها وانجمن های اجتماعی وفرهنگی در کشورتأسیس گردد؟ چرا دولت در تشکیل آزاد احزاب سیاسی ممانعت و تعلل بخرچ میدهد؟ چرا هر روز قوای ثلاثه دو لت و قدرت حاکمه افغانستان در برابر تشکیل احزاب سیاسی مترقی وملی ودموکراتیک ووطنپرست تو طئه، دسیسهٔ و تحریکات ارتجاعی وحتی ترور واختناق را مطمع نظر و عمل قرار میدهد ؟

ـ«ماده بیست و یکم-(۱) هرکس حق دارم که در اداره امور عمو می کشور خود ، خواه مستقیماً وخواه باو ساطت نما یند گانی که آزادانه انتخاب شده باشد شرکت جوید

(۲) هرکس حق دارد با تساوی شرایط، بمشاغل عمومی کشورخود نایل آید.

(۳) اساس ومنشأقدرت حکومت، اراده مردم است، این اراده با ید بوسیله انتخاباتی ابراز گردد کـه از روی صداقت وبطور اد واری صورت پذیرد . انتخابات بایدعمومی وبارعایت مساوات باشد وبا رأی مخفی یا طریقهٔ نظیر آن انجام‌گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید .»

باید خاطر نشان سا خت کـه محتوی مادهٔفوق نیز درقانون اساسی افغانستان وجوددارد، ولی کیفیت اجرای آن در کشور ما عملابه نفع یک گروه کوچک ستمگر طبقه حاکمه است . بر خلاف اعلامیه حقوق بشر وقانون اساسی افغانستان درعمل ،در حیات روزمره ، قدرت حاکمه در د ست یک اقلیت کوچک ملت که بنام طبقه حاکمه یاد میشود متمرکز است ،نه در دست اکثریت عظیم ملت. سوال در اینجاست که چطور میتوان در شرایط نظام فئو دا لی واشرافی و

(ص٤)

بسلسله گذشته

اعترافات صدراعظم ووزرای افغانستان

ازبیانیه دکتور پو پل معاون‌اول‌صدارت (سابق وزیر معـارف)بمنا سبت افتتا ح سال نو تعلیمی. (صفحه ۲۰ سالنامه افغانستان)

ـ«ایشان (مطلوب جوانا ن است پرچم) عملا و علما به تنویر مردم بکو شند، بایدخوبتر بفهمند وبفهمانند که ملت نجیب افغان همیشه باقد رت ایمان و باشجاعت اخلاقی واخلاص وصمیمیت ووطنپر ستی واتحادفکر وعمل ، مملکت رااز خطرات رها نیده اند .»

سوا ل: این حرف حسا بی است. ولی سوال می شود که چرا هیأ ت حاکمه هر روز موانعی برای فعالیتهای جوانان وطنپرست خلق میکند و نمیگذارد که جوانان درمیان خلق بروند. ازخلق بیا موزند و بخلق بیاموزانند تاملت نجیب افغان با قدرت ایما ن وباشجاعت اخلا قی ووطنپر ستی واتحاد فکر و عمل مملکت رااز خطر ارتجاع ،استبداد واستعمار نجا ت دهند ؟ آیا چنین ادعای نظری باعمل ونیت درو نی عناصر حا کمه متبا ین نیست ؟ آیا خود عنا صر حا کمه که اینقدر از اتحاد فکر و عمل حرف میزنند ، خود محرک نفاق افگنی میان نیرو ها ی ملی ومترقی نمی باشند...؟

- «پیدا شدن تفرقه وبد بینی در مملکت زادهٔ دستهایست که به پیشرفت مملکت خو یش خو شبین نیستند . آنها مر بوط به آن طبقهٔ مردم اند که بعد از من طوفان نو ح گفته از انار شی و پراگند گی افکار به نفع خود استفاده میکنند.»

سوال : مردم هر روز تحر یک مبنی بر تفر قه و بد بینی رادرمیان خود احساس میکنند. و لی می پرسند که آیا این تفرقه افگنی وبد بینی زائیده نیرو های استبداد واستعمار وطبقه حاکمه ار تجاعی کشورنیست؟ که بمصدا ق جملهٔ «تفرقه بینداز و حکومت کن » هر روز تو طئه و دسیسهٔ تازه ئی راه می اندا ز ند وبرای دوام عمر خود تا رسید ن «طو فان نوح» پراگندگی فکری را، بغرض تا مین فوری منافع خو یش ایجاد مینما یند وبنابر شیو هٔ فاسد اداره و برای بقای استبداد خود باعث انارشی میگردند ؟

در صورتیکه این سخنان انعکاس واقعیت است ، پس چرا موا نعی درراه تشکیل اتحادیه محصلا ن افغانستان، اتحادیهٔ جوانان معار ف، اتحادیه استادا ن ومعلما ن کشور طی یکسا ل ا یجا د گر دید ؟ ویالااقل اقد ا ما ت مقد ما تی در بار هٔ وحدت عمل وارا دهٔ این نرو تهای عظیم مردم افغا نستان چرا صورت نگر فت وبخواست اکثریت قاطع محصلان پو هنتو نهاوشاگردان اعتنائی نشد ؟ و نگذاشتند که معلما ن که بمثا به چشم ملـت افغا نند ازین پراگند گی فکـری و تشتت عقاید نجات یابند ودر یک اتحا دیه جمع شوند ؟

(ص ۲)

مونږ د خپلواک پښتونستان په څنګ کې
سوله غوښتونکی ، آزاد او مترقی پاکستان غواړو

په پښتو نستان کښی د پا کستان د حکومت د ظا لمانه او له تشدد نه ډکې رویې په مقابل کښی دآزادی غوښتونکو مقاومت ورځ په ورځ زیا تیږی . د استبدادی او ارتجاعی رژیم په مقابل مظاهرو ډیر جدی او مزمن شکل غوره کړی دی . له‌هری خوانه دا ناری پورته دی چه :«مونږ آزادی او د مو کراسی غواړو !» «باید دایوب درژیم کمیله ټوله شی!» او «باید په پاکستان کښی غیر ملی او غیر دمو کرا تیک رژیم له مینځه یووړل شی !» «دنشنل عوامی پارټی صدر و لی خان او ددغـه ګوند عمومی نـایب سکر تر بنا غلی اجمل خټک او نور مشران دی ژر تر ژره خلاص شی !» لـه بلې خوا د پاکستان د حکومت واکوالان ددی په‌ځای‌چه دپښتونستان ا و پا کستا ن د خـلکو د غو عا د لا نـه غو ښتنـی ته پاملرنه وکړی دهر بل استبداد ی رژیم په دود په آزادی غو ښتو نکو باندې ډول ډول تورو نه رو تپی د محصلینو او خلکو د مظاهرو ا و غونډو په مقابل له هیڅ ډول تشدد او فشار نه ځان نه ژغوری .

په آزادی غو ښتو نکو او رښتینو وطن پر ستانو باندې لکه چه د ټولو ارتجاعی او استعماری نظا مونو خصلت دی د «ماسکونوازی» ، «هندو دوستی» الزام لګوی او د خپل استبدادی او ار تجاعی سیا ست د کر غیړن مخ دپټو لو د پاره داسلام ددین او مسلما نی له نامه نه بده استفاده کوی او هڅه کوی چه له‌دغی لاری د پاکستان له‌بحرانی اقتصادی او سیا سی حالت نه د پا کستان د خلکو پا ملرنه بلې خواته واړوی د پا کستان د خلکو او ګاونډیو هیوادو تر منځ کر که او بد ګمانی مینځ ته راولی .

خودپا کستان دمستبداوارتجا عی نظام واقعی څیره د نړی او پاکستان ټولومسلما نانو ته خر ګند ه شوی ده او پدی حقیقت ښه پو هیدلی‌دی چه د پا کستان دحاکمه ارتجا عی قواؤ «اسلا میت» پرته له‌یو‌استعماری پلان‌نه‌بل هیڅ ماهیت نلری، چه د سنتو او سیاټو دتیری کوونکونظامی تړونو په چوکاټ کښی په پاکستان او نوری اسلامی نړی کښی دټولو ملی او مترقی نهضتو نو د مخنیوی او شنډو لو په غرض اجرا کیږی .

د پا کستان مرتجعین هڅه کوی چه د پښتو نستان له ملی نهضت څخه زمونږ ملاتړ د پاکستان لـه مو جود یت او د پاکستان له خلکو سره ددښمنۍ په شکل وښئی .

پداسې حال کښی چه د پښتنو د ملی خپلواکی د نهضت او آزادی غو ښتنی ملاتړخپله ملی اوبین‌المللی وظیفه ګڼو ، د پښتو نستان تر څنګه دیوسوله غوښتونکی‌آزاد دموکراتیک او مترقی پا کستان وجود دپاکستان د خلکو او د نړۍ ددغی سیمې د سولی او ترقی دپاره مفید او حتمی بولو او ددغه شان پاکستان دمینځ ته را وستلو د پاره دپاکستان دخلکو د ټولو مبارزو په کلکه ملاتړ کوو .

بهیر

بارق شفیعی

هنر و نقش آن در زندگی و مبارزه اجتماعی

از نظرگاه جهانبینی علمی

هنر بخلق تعلق داردو بایدریشه های عمیق خودرادر میان توده های وسیع زحمتکشان بدواند . هنر باید برای این توده ها قابل درك و محبو ب باشد ، باید احساس ، فکر و ارادهٔ این توده ها را متحد ساخته و آنها را بدرجهٔ بالاتری ارتقاء دهد . (...)

درینجا، نه مجال آنست که از زاویه «سیر درونی» آفرینشهای هنری، بابینش عمیق«زیباشناسی»درهنر، واز گذر گاه دقیق جریان کارهنرمند با تشریح و تحلیل مختصات **فنی** و دقایق **بدیعی** پدیده های هنری ،وارد بحث شویم ، ونه فرصت آنکه: بخلوت اندیشه های پرخم و پیچ هر یك از نمایندگان شعب مختلف هنر سری بزنیم ، تا بدانیم دریافت شباهتها در نقاشی و حجاری ، مراعات موازنه ها و مقارنه ها ، توجه به تزئین و ایجاد شکوه وجلال در معماری ، رقت احساس و دقت درك ، توصیف و تصویر نمود های زندگی در ادبیات وبالاخره ایجاد هماهنگی وهارمونی در موسیقی چسان صورت می گیرد ، وکیفیات روانی هنر مند ، آنگاه که دست اندر کار خلاقیت و ایجاد گریها ی هنریست ، چگونه تبارز میکند،بلکه صرف درینجا بر آنچه میتوانیم پرداخت واز نظر گاه مشی نشراتی پرچم (ناشراندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان)قبل از همه درخور تامل وتحلیل مینماید وهم مقدمه ئی ومدخلی برای بخشهای گسترده تر وژرفتر در زمینه های مختلف هنری بشمار می آید ، مساله هنر ونقش آن در زندگی و مبارزه اجتماعیست، بر مبنای جهانبینی علمی.

تمام بخشهای هنری زمان ما : چه «هنر فولکلوریك» که بخشی از فرهنگ خلقی را تشکیل میدهد ، باهمه بدوی بودنش از لحاظ اصول فنی ، خیال پروانه ومبهم بود نش از جهت منطق هنری وانعکاس کنایه آمیز وپر از تاکیدو غلو های خاص واقعیت (طبیعت و زندگی) در آن، که قرون بی‌شماری از سینه‌ئی بسینه‌دیگر انتقال نموده تا از دفتری بدفتر دیگر و همیشه بخلق تعلق داشته تابه هنر مند مشخص ، وچه «هنر کلاسیك» که تمام اسلوبها وجریانات هنری را احتوا میکند وبر مبنای دیرینهٔ خلاقیت هنری و قواعد استتیك پدید آمده و محصول نضج مفاهیم و استنباطات زیبا شناسی ویااستتیك کلاسیك و رشد آگاهانهٔ منطق هنریست وازین جهت انعکاس هرچه کاملتر ومطابق تر با واقعیت عینی را بوسیلهٔ اوصاف و تصاویر هنری عمده می شمارد وبه‌هنرمندان‌مشخص تعلق می گیرد، وچه «هنر مدرن» که هنوز در نیمهٔ دوم نخستین قرن هستی خویش بسر می برد ومد عی تحول کیفی عمیق در مفاهیم و استنباطات بنیادی‌واساسی‌استتیك کلاسیك می باشد، گاه بمعیار های زیبا شناسی فلکلور یك تو سل می جوید و زمانی معیار های‌صرفاً ذهنی و روحی ، انفرادی و حتی من در آوردی را جانشین معیار های عینی ، واقعی ، همه فهم‌وپسند همه مینماید وبه« دیدشخصی» و«یا فت هنری» هنر مند تکیه میکند ... ، همه و همه، منحیث المجموع یکی از **اشکال عمده شعور اجتماعی** بشما ر میرود .

« **شعور اجتماعی عبار تست از مجموعهٔ افکار ، تئوریها و نظریا ت انسانها که انعکاس زندگی‌اجتماعی آنهاست** . از آنجائیکه زندگی اجتماعی متنوع و بغرنج‌است،شعور اجتماعی نیز متنوع وبغرنج است . افکار سیاسی‌وحقوقی ، اخلاق، هنر علم فلسفه ،مذهب **اشکال گوناگون شعور اجتما عی‌**می با شند . این اشکال هر کدام پدید می آیند ، تکامل میابند و جهات مختلف زندگی اجتماعی را انعکاس میدهند، وظایف آنها نیز متفاوت است .»

ایدئولو گهای بورژوازی پیو سته میکو شند نقش افکار و شعو ر اجتماعی را در جریان تکامل جا معه معکوس جلوه‌دهند .آنها چنا ن میپندارند وبه مردم می سپارند که که‌گویا افکار تعیین کننده جر یا ن تکامل اجتماعیست . در حالیکه جهان بینی علمی بر مبنای حل صحیح مسالهٔ اساسی فلسفه در انطباق با جامعه ، بطور غیر قابل انکاری بالثبات میرساند که : «**شعور اجتماعی انسانها محصو ل زند گا نی اجتما عی آنها ست،**... شعور اجتما عی ازمناسبات مادی وتولیدی سر چشمه می گیرد و موخر بر آنهاست . بهمین جهت منبع و منشاء افکار و نظریات را باید در زندگی اجتماعی یعنی در فعالیت مادی و تولیدی انسانها جستجو کرد .

تاریخ جامعه حاکی از آن است که با تغییر زندگانی انسانها و مناسبات مادی و تولیدی آنهاشعور آنها نیز تغییر میپذیرد، افکار کهنه از بین میروند ، افکار نو پدید می آیند که مناسب با شرایط نو و احتیاجات اجتماعی نوین می‌باشند.»

بنابر آن هنر نیز ، که یکی از **اشکال** انعکاس واقعیت در شعو ر انسانهاست وواقعیت زندگی را با اوصاف وتصاویر ، چهره ها و سجیه ها ، نکات و تشبیهات و تعبیرات وبا یابندگی و آفریندگی هنری و استفاده از مصالح مختلف

(ص٤)

بسلسله حقوق اقتصادی واجتماعی کار گران

آسه مائی

برخی از پرنسیب های اتحادیه‌های کار گری وطرح تشکیل آنها درافغانستان

قبلا نوشتیم که اتحادیه‌ها ی‌کار- گری بزرگترین سازمانهای توده ای کار گران می باشند .

این اتحادیه ها که بر اسا س پرنسیپ صنعتی (تولیدی) تشکیل میگردد، درصفوف خود کار گرا ن تمام رشته های اقتصاد ملی ر ا متحد میسازد که شامل کار کنا ن امور علمی و فرهنگی ، معا رف‌و صحت عامه نیز می باشد .

- قبولی کار گران بعضویت د ر اتحادیه های کارگری بر پرنسیپهای دموکراتیك توام با کنترول جد ی (سنترالیزم دموکراتیك) استو ا ر است .

- اشتراك در اتحادیه‌های اصناف برای کسانیکه در مو سسات‌صنعتی و یا مو سسات دیگر کار می نمایند بدون در نظر گر فتن نژاد ، قو م ، جنس و مذهب میسر است .

- حقوق ووظایف عمدهٔ اتحادیه های کار گری ، مبنای تر کیب سازمانی آنها ، طرق و متودهای کار آنها در اساس نامه اتحادیه‌های کار گری سر تا سری تعیین‌میگردد. بر طبق اساسنامه اتحادیه های کار گری سر تا سری ، هر یك از اتحادیه های کار گری تو لید ی و حرفوی برای خود اساسنا مهٔ جداگانه یی نیزدارد که‌حقوق‌ووظایف مختلفی رادر برابر خود قرار داد ه و مشخصات خودرا ، علاوه برشکل سازما نی اتحادیه ، تعیین‌مینماید .

- یکی از اشکال دمو کرا تیزم در سازمانهای اتحادیه ها انتقا د و انتقاد از خود می‌باشد وازآنجا ئیکه سازمانهای اتحادیه ها توسط خود کار گران اداره می گردد ، انتقاد وانتقاد از خود مو جب فعالیت مو فقیت آمیز اتحادیه های کار گری و باعث استحکام و بهبود کار آنها میگردد ونواقص و اشتباهات درکار را رفع مینماید .

- تصامیم در مورد مسایل عمدهٔ فعالیت سازمانی اتحادیه بر طبق اداره و رهبری دسته جمعی توسط تمام رهبران یك ارگان اتحادیه صورت میگیرد ، نه توسط یکی ا ز آنها ، که‌بدینطریق از یکطرف ا ز تجارب ، فهم واستعداد ها ی همهٔ آنان استفاده می گردد واز جانب دیگر از اشتباهات ، تصادفات و تمایلات خاص یك نفر جلوگیری بعمل می‌اید ، ادارهٔ دسته جمعی مسؤولیت شخصی را در برابرانجام یکوظیفه مشخص قرار میدهد .

- انتخابات متناوب و راپور د هی منظم توسط ارگانهای اتحادیه‌عناصر عمدهٔ‌دموکراسی‌اتحادیه‌ای میباشد . با انتخابات نوبتی رهبران واستماع وبحث بر راپور های شان در و قفه های منظم ، کار گران قادرمیشو ند که‌از شکل کار سازمانهای اتحادیه خود وارسی نمایند و کمکهای لازم را در راه بهبود آن انجام دهند . رهبران ارگانهای اتحادیه و همچنین هیأتهای نما یندگی برای‌اشترا ك در کنفرانس ها و کنگره های‌اتحادیه‌ها با آراء مخفی انتخاب می کر د ند در جریان انتخابات وهم در ضمن استماع راپور ها ، اعضاء اتحادیه حق دارند که کاندید هارا‌پیشنها د نمایند و در برابر کاندید های دیگر قرار گیرند وهمه آنها را انتقا د نمایند .

- اتحادیه ها بر اساس اصل صنعتی (تولیدی) سازمان دا د ه میشوند ، به‌اینمعنی : تمام‌کسانیکه در یکفابریکه کار مینما یند اعم از کار گران ، انجنیران ، ما مورا ن و غیره به عین اتحادیهٔ کار گر ی تعلق میگیرند ، نه بر اساس حرفه و پیشه .

- وظیفهٔ هر عضو اتحادیه قبل‌از از همه تقویت وتحکیم ساز ما ن - سندیکائی و رعایت کامل نظم تشکیلاتی است . یکی از وظایف مهم اعضای اتحادیه پر داخت‌حق- العضویت است،زیرا بدون پرداخت منظم آن نگهداری و تقویت اتحادیه واجرای مرا مهای ان امکان پذیر نیست .

طرح تشکیل اتحادیه های کارگری درافغانستان

براساس پرنسیپ های اسا سی فوق ، اتحادیه های کار گری د ر افغانستان نیز میتواند براساس‌طرح ابتدائی زیرین تشکیل گردد .

سا ختمان عمومی اتحادیه ها ی اصناف متشکل از سازمانهای اولیه ومقامات وسطی وعالی بود ه میتواند .

سازمانهای اولیه :

هر اتحادیه از چندین وا حد اولیه تشکیل میگردد که شامل کار گرا ن فابریکه های جداگانه ، پروژه های ساختمانی ، معادن ، مو سسا ت دولتی ،ورکشاپهای ترمیم ومراقبت، مکاتب وموسسات عالی جداگانه ... و غیره می باشد .

برای انجام فعالیت منظم و روز- مره ، هر سازمان اولیه اتحادیه که بیشتر ازبیست عضوداشته می‌باشد. دریك‌جلسه عمومی کمیته رهبر ی و کمیسیون امور مالی را برا ی یکسا‌ل با رأی مخفی انتخاب‌مینماید و هر گاه تعداد اعضاء کمتر ا ز۲۰ نفر باشد ،یکنفرسازمانده و یك نفر معاون وی برای مدت یکسال‌ازطرف اعضاء تعیین میگردند . کمیتهٔ‌رهبری و یا سازمانده و ظیفه انجا م فعالیتهای عمومی‌سازمان‌را در جریان یکسال بعهده دارند وکمیسیون امور مالی و یا معاون سازما نده و ظیفه جمع اوری حق العضویت اعضا ء و تنظیم امور مالی را انجام‌میدهند وظیفهٔ کمیته های رهبری‌سازمان

(ص ۳)

از (ص اول)

اعترافات صدر اعظم...

- « اگر تاریخ‌مستند را ورق بزنیم ، می بینیم هیچوقت بین‌ملت افغان تفر قه نژادی ومذهبی نبوده وهیچو قت دشمن بر ملت متفق و متحد و فدا کار ما غالب نشده‌اند. اما همینکه دست غرض‌بین‌ما دشمنی وبیگانگی وخود سری راتخم ر یز ی نموده ما را به شکست وبد بختی موا جه سا خته است .»

سوال : هر گاه تحریکات وتفرقه نژادی ومذهبی رادر کشور مورد بحث جدا گانه قرار دهیم وباری‌هم تاریخ قرن ۱۹ ومعاصر کشور را ورق زنیم ، بای این سوال بمیا ن می‌آید که و قتی کشور به شکست وبد بختی موا جه گردیده ، آیاعلت آن تو طئه و دسیسه ارتجاع دا خلی، بهمدستی و به نفع نیروی استعما ر نبوده است ؟

- «امروز ممالك کوچك زیاتراز پیش معروض بخطر می باشند . امروز زند گی آبرو مندا نه‌ایشان در جامعه بزرگ ملل نه تنها به نظام‌واستقرار دا خلی مربوط است ، بلکه تا مین آن همکاریهای صمیمانه بین‌المللی راکه شرط بزرگ بهبود اقتصا دی وسیا سی است ایجاب میکند .بس حیف است با دا شتن‌این نصب‌العین وهدف بزرگ وقت خود را به سفسطه و تلاشهای چو کی و حق تلفی ،برخلافی ، قال‌مقالهای بی معنی ، بی قانونیها بگذارانیم .»

سوال : این گفته در ست است ولی سوال دراینجاست که چرا « آن همکاری های صمیما نه بین‌المللی» که «شرط‌بزرگ‌بهبودو ضع‌اقتصادی وسیاسی » تلقی گردیده‌است ، تخریب ونقب گذاری میگردد و وبیشتر به همکاری های (!) کشور ها ی امپریا لستی‌بند‌بست صورت میگیرد وهم چرا مقاما ت حا کمه افغانستان «وقت خود را به سفسطه وتلا شهای چو کی وحق تلفی ، بی قانونی ها » میگذا رند ؟

* * *

ازبیانیه بیغله کبرای نورزا یی حین‌معرفی فارغ التحصیلان پوهنځی طب‌ودواسازی (انیس ۲۴دلو۱۳۴٦)

- «وزارت صحیه در راه پیشبرد اهداف عالی که بمنظور بهتر شدن امو ر صحی بشکل متو ازن در تمام نقاط کشور روی‌دست‌دارد ، موا جه بمشکلات ، کمبود پر سو نل، قلت سا ما ن ولوازم میباشد».

سو ال : مرد م زحمتکش ولایات وروستا ها ی کشور سوال میکنند که زمان تطبیق این «امور صحی متوازن » ورفع این مشکلات ، کمبود پر سو نل و قلت سا ما نولوا زم ، این همه مرگ ومیر صد ها هزار طفل ، اینهمه انوا ع بیما ریهای مزمن وساری و کشنده چه وقت بسر میرسد ؟ چه وقت دوا ،داکتر وشفاخا نه در دسترس شان قرار خوا هد گر فت ؟

(ادامه دارد)

از (ص اول)

پیکار عادلانهٔ ما در راه...

از ماهیت مترقی یك‌نظام اجتما عی، اقتصادی وسیاسی یك جامعه که امکانات‌نوینی رابرای تکامل نیرو- های تولیدی آماده میسازد و سریعترین آهنگ رشد جا معه را تامین مینماید.

اکنون می‌بینیم که بر اساس تعریفات فوق کشور ما ، کشو ری است که در زمینه ها ی تولیدی، توزیع، آهنگ رشد، حاصلدهی‌کار ومهارت درکار، تکنولوژی وساینس، تعلیم و تربیت ،نظم‌وتشکیل‌اجتماعی ودولتی ، سواد، صحت ورفاه‌مادی ومعنوی مردم وفرهنگ عمومی وغیره درپائینترین سطح‌جهان قرار داردو زنجیر های نظام فرتوت اجتماعی، اقتصادی وسیاسی موجود در کشور بصورت وحشیانه راه رشدنیروهای تولیدی را مسدود ساخته است. به‌این معنی ،درجامعه کنونی‌ماکه‌اسیر چنگالهای بیرحم مقررات کهنه فئودالی وقبیله وی است، وهرروز نیروهای خشن وسیاه ارتجاعی، استبدادی و استعماری جلوهرگونه رشد وترقی اجتماعی کشور ما را میگیرد وکشور را بجهت جهل و بیسوادی ، بیماری وفقر میکشانند، هیچگونه امکاناتی وجود ندارد تا شرایط تامین‌رشدوترقی وهمه‌جانبه‌ئی را در جامعه بوجود آورد.

درست است که هیات حاکمه افغانستان سیاست تبلیغا تی برای رشد اقتصادی‌وفرهنگی کشوردارد. ولی واقعیت هلاکتبارزندگی توده‌های عظیم خلق کشور وکندی رشدمبین این حقیقت تلخ است که سیاستهای هیأت حاکمه افغانستان جز اغوا، فریب وکذب چیز دیگری بوده نمیتواند. بایدجداًخاطر نشان ساخت که این سیاست‌صرفاً تبلیغاتی واین «رشد وترقی» بطی، سطحی وجزئی وناسالم در شئون مختلف زندگی اجتماعی کشور بسیار ،بسیار کمتر ازآن حدیست که در دوران معاصر جهان برای تکامل سریع جامعه‌لازم است وهم بسیار ،بسیار کمتر ازآن امکاناتی است که برای رشد وترقی سریع وجامع کشورما میسر است.

تجربه نظام های نوین ومترقی جهان نشان میدهد که میتوان‌شرایط رشد وترقی سریع جامعه را که طی قرون متمادی انجام نگرفته، دردوران زندگی یك نسل آماده ساخت.ولی بکمال تاسف هیأت حاکمه‌افغانستان که‌از منافع طبقه ارتجاعی خود نمایندگی میکند واز امپریالیزم و ایدیالوژی ارتجاعی وبورژ وا زی تبعیت می‌نماید ،تلاش می‌ورزد تااز رشد وترقی سریع وخلاق جامعه، سقوط وزوال اجتناب ناپذیر طبقه خود جلوگیری نماید.

هیأت حاکمه تاآن حدی‌به‌سست شدن زنجیرهای اسارت وبردگی از دست وپای مردم تن در میدهد که بقاومنافع‌طبقاتی‌اش‌درآن‌متصورباشد وآنگاه مزورانه نام آنرا تر قی میگذارد وبا پرروئی تبلیغ می‌نماید که «امکانات برای پیشرفت وترقی جامعه افغانستان بیش از این وجود ندارد» (!).

ولی علی‌رغم این ادعای دور از واقع، باستناد تئوری علمی وتجربه کشورهای مترقی وپیشرو و جهان میتوان گفت که امکانات ترقی‌ورشد سریع وجامع درکشورما وسیع‌وجود دارد وافغانستان میتواند با نیرو و سرعت شگفت انگیزی فاصله‌چندین قرن عقب ماندگی رادر دوران زندگی یك نسل طی کند. ولی مشروط براینکه نظام‌کهن اجتماعی‌اقتصادی وسیاسی موجود دگرگون گردد و نظام نوین ومترقی ودموکراتیك در جای آن بنشیند. زیرا تنها چنین نظامی میتواندازمنابع‌فراوان‌انسانی وطبیعی کشور سریعاً ،وسیعاًوعلما بهره برداری نماید وکشور مارا در راه نیل به ترقی، درراه رشد سالم ملی ودموکراتیکی رهبری کند.

هیأت حاکمه ضد دمو کرا تیك و ضد ملی کنونی افغانستان که از جهت قدرت سیاسی‌ودولتی راه‌ترقی اجتماعی را در ده وشهر مسدود ساخته است ،بزرگترین مانع رشد وترقی جامعه ما بشمار میرود.

به‌همین جهت در شرا یطکنونی ، مبارزه متحدانه تمام نیروهای ملی‌و مترقی کشور در راه ایجاد دولت دموکراتیك وملی، پیکار عادلانه برای ترقی جامع وسریع جامعه وظیفه مقدس هر افغان وطنپرست است.

رفاه عمومی :

نبرد عا دلانه در راه ایجادامکانات برای ارتقاء سریع سطح رفاه‌زندگی خلق افغانستان اعم از کارگران، دهقانان ، چوپانا ن ،پیشه ورا نو روشنفکران هدف مقدس و اساسی ماست .یعنی تامین حداقل شرایط لازم زندگی مرفه وبا کولتور معاصر برای عموم خلق پانزده ملیونی‌کشور ازلحاظ‌خوراك ،پوشاك ،مسکن ،ادویه وشفاخانه وحفظ سلامتی مردم،سواد ومکتب، حق‌کار، بهبودشرایط کار، مزد عادلانه ،بیمه‌های عمومی، معالجه مجانی، استراحت،حمایت کودکان‌و پیران وبهبود وضع زنان ،حقو ق تقاعد،افزایش عوایدواقعی‌مردم،تهیهٔ اجناس مورد مصرف مردم، تجدید ساختمان دهات وشهرها، کلپ ها، تیاتر وسینماها وفروشگاهها وغیره.

البته باید اظهار داشت که‌تحقق این‌آرمانهای خلق کا ریست بسیار مشکل وبصورت قطع‌از دست هیات حاکمه موجود کشور بر آورده شده نمیتواند . توجه شود! در تحت‌نظام کنونی افغانستان است ، که خلق کشور ما در آتش جهل ، بیماری، بیکاری ،آوارگی‌وگرسنگی میسوزد. عاید متوسط سالانه اکثریت عظیم خلق از پائینترین عواید جهانست وروز بروز فاصله بین فقر وثروت عمیقتروو‌سیعتر میگردد و زندگی‌در شهر وده، در میان قبایل وکوچیها طاقت فرسا تر میشود.

برای ریشه کن‌ساختن این زندگی جهنمی وغیر انسانی وتامین رفاه وآسایش عمومی وبافرهنگ ، باید هرچه سریعتر نیروهای مؤلده‌کشور وسیعاً رشد یابد ویك نظام عادلانه دموکراتیك ایجاد گردد.

* * *

تجربه ملل مترقی جهان بما میآموزد که‌هرگاه در اوضاع‌واحوال کنونی شرایط قبلی یعنی استقلال ملی ،دموکراسی وترقی اجتما عی واقعی استقرار وتامین یابد، میتوان بتامین سریع رفاه عمومی نایل‌آمد. اصل حقیقت انکار نا پذیر اینست که‌تنها فعالیت‌خلاق وقهرمانانه خلق، نبرد پیگیروعادلانه طبقات‌دموکراتیك

(ص ۳)

اسناد شورای صلح جهانی

کمیتهٔ رئیسه شورا ی صلح‌جهانی در اواسط نومبر در لاهتی واقع فنلیند تشکیل جلسه داد تاپرا بلمهای عمدهٔ مبارزه به خاطر صلح را تحت غور وبحث قرار داده‌و ظایف فوری را طرح نماید. دراین جلسه تقریباً یکصد نفر قهر ما ن‌صلح،ازچهل کشوراشتراك نمود . مادر اینجا اسناد عمدهٔ تصویب‌شده‌در این جلسه شورای صلح جهانی را تقدیم می‌نمائیم .

ویتنام : درخواست ازمردم جهان

قطع بمباران جمهوری دموکراتیك ویتنام ازطرف ایالات متحدهٔ امر یکا اشتراك جبهه آزادیبخش ملی در مذاکرات پاریس به مردم جها ن فرصت میدهد که مطا لبه شا ن را برای صلح تحمیل نمایند ، با ید این فرصت از دست داده نشود ، به نیرو های بر قدرتی در ایالات متحدهٔ امریکا و خارج ازآن کشو ر امکان ساخته میشوند که امید های صلح را سبوتاژ کنند و جنگ ر ا توسعه بخشند ، لذا ،ما با فو ریت و ضرورت بسیار زیاد از تمام‌نیرو های متر قی جهان ،در هر جاییکه هستند ، دعوت می‌نمائیم تا مساعی شانرا در پشتیبانی ازمردم ویتنا م وبه خاطر یك صلح عادلانه تشدید نمایند .

این موفقیت از آنجهت امکان پذیر گردید که‌مردم‌ویتنام، چه‌درشمال وچه‌درجنوب ،اراده‌شانرا برای‌اعاده استقلال و آزادی سرزمین شان، بهر قیمتی که‌بود ،به‌اثبات‌رسانیدند . مبارزهٔ آنها با جنبش مقا و مت تمام بشریت مترقی و ملیونها نفرانبا ع امریکا علیه پلانهای جنگی ایا لا ت متحدهٔ یکجا شده‌است. این جنبش جهانی نه تنها از مردم دلیرو یتنام پشتیبانی می نماید ، بلکه از تمام بشریت علیه تهدید جنگ‌دفا ع میکند . این جنبش الهام بخش جوانان جهانست ، که بیش از هر وقت دیگر در دفاع از صلح،استقلال ملی و ترقی بشریت فعال میباشند.

ما درحالیکه براین مطا لبه برا ی صلح اصرار می ورزیم ، بایداعلان خطر نمائیم که ایالات متحدهٔ امر یکا در پس پرده مذاکرات صلح‌پاریس حملات تبهکا رانه خود ر ا بـه مردم و یتنام جنوبی شدت میبخشد و تهدیدات علیه جمهوری‌دموکراتیك و یتنام را همچنان حفظ می نماید .

شرایط صلح ویتنام روشن‌است. به تجاوز علیه‌و یتنام‌خاتمه داده‌شود. تمام عساکر امریکائی و خارجی ا ز ویتنام بیرون کشیده شوند. تما م پایگاههای نظامی از بین برده شود. مردم ویتنام شکل حکومت خود را خود فیصله نمایند ووحدت مجدد بایدتوسط خودمردم هردو منطقه بدون مداخله خارجی تعیین گردد .

این شرایط خاتمه دادن به جنگ باید با جمهوری دموکراتیك ویتنام و جبهه آزادیبخش ملی ،که خود را بحیث نماینده راستین مردم‌ویتنا م جنوبی به اثبات رسانیده است وبه استثنای مشتی از خا ئنین که د ر خدمت امریکا هستند ، ازپشتیبانی تمام‌مردم ویتنام‌بر خوردارمیبا شند، مورد بحث ومذاکره قرداده شود .

هنوز مبارزه طولانی سختی در پیش روست ، پیروزیها ئی که خلق قهرمان ویتنام و بشریت متر قی بدست آورده ، تهدابی برای‌اعتماد ما به پیروزی نهائی و صلح عادلانه می باشد .

اعلامیه درباره ویتنام

در طول مدت‌چهارده سال‌گذشته ایالات متحدهٔ امریکا که موا فقت - نامه های ۱۹۵٤ ژنیو را راجع‌به‌ویتنام راسبوتاژ نموده‌است ،جنگ‌تجاوز- کارانه‌ئی‌را پیشبرده که با عث جنایات بیشماری علیه مردم گردیده است

مردم و یتنام جنوبی و نیرو ها ی مسلح آزادیبخش ،برهبری جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی، شجاعانه جنگیدند و با پیروزیهای پیهم خود متجاوزین امریکائی رابه سوی یك موضع یاسیف جبران نا پذیر ی رانده‌اند . درشمال مردم و نیرو- های مسلح جمهوری دموکرا تیك ویتنام برای سالها ،جنگ دلیرا نه و پیروز مندانه‌ئی را بر ضدقو ای هوائی وبحری امریکا به‌پیش بردند. مردم مترقی و نیرو های صلح د ر سراسر جهان بشمول امریکاازمردم ویتنام در مبارزهٔ شان علیه جنگ تجاوز کارانهٔ امریکا به‌قوت پشتیبانی کردند .

حکومت‌امریکا دربرابر شکست ها و مشکلات سنگین مجبور گردیده است که بمباران هوائی ، بحر ی و توپچی خودرابرتمام مناطق جمهوری دمو کراتیك ویتنام‌قطع نمایدومذاکره باجبهه آزادیبخش ملی راراجع به مسایل مربوط به ویتنام جنوبی بپذیرد . این پیروزی های مقدماتی برای مردم ویتنام وهمچنان مر دم صلحدوست و آزادیخواه تمام جهان اهمیت بزرگ دارد .

ولی در زمان حاضر ایالات‌متحدهٔ امریکا جنگ تجاوز کارانه اش ر ا در ویتنام جنوبی توسعه میدهد ، به‌اعمال تجاوز کا رانه خو یش بر حاکمیت وامنیت‌جمهوری دمو کراتیك ویتنام ادامه داده ،در راه رسید ن بیك حل صحیح‌پرابلم و یتنا م موانع ایجاد می نماید ، سیاست‌فعلی حکومت امریکا هنوز هم تهدید ی جدی برای صلـح وامنیت آسیا و جهان میباشد .

حکومت جمهوری دمو کراتیك ویتنام و کمیته مرکزی جبههٔ آزا دی ملی و یتنام جنوبی به تا سی ا ز تصمیم شان در دفاع از حقوق ملی و حسن نیت شان برای حل صلحجویانه پرابلم و یتنام ، هریك به نوبهٔ خود به تاریخ ۲و۳نو مبر ۱۹٦۸ بیانیه هائی صادر و موقف شانرا راجع به حل سیا سی‌پرابلم ویتنام تو ضیح نمودند ،حکوما ت کشور های مختلف این مو قف را تصویب‌کردند وبه‌استقبال گرم‌مردم صلحدوست جهان مواجه گردید .

کمیتهٔ رئیسهٔ شورای‌جهانی صلح مطابق به‌وضعیت فوق‌الذکر د ر موارد ذیل اتفاق نظر دارد :

۱ - باید پشتیبانی کا مل از مبارزه مردم ویتنام‌در راه حقو ق بنیادی ملی شان : استقلال ،حاکمیت وحدت وتمامیت ارضی‌و یتنام‌صورت گیرد .

مبا ر ز ه مر دم ویتنام خدمت بزرگی به‌مرام مشترك استقلال دموکراسی ، صلح و ترقی اجتماعی مردم جهان پنداشته میشود .

۲ - بایدافکار عامه جهان تجاوز دوامدار حکومت ایالات متحدهٔ‌امریکا را در ویتنام جنوبی و تهدید آنرا علیه جمهوری دمو کراتیك و یتنا م شدیداً محکوم نماید ، از مردم د ر کشور های مختلف دعو ت کنند که‌به هوشیاری خود بیا فزا یند و مبارزه شانرا بخاطر خاتمه دادن جنگ تجاوز کارانه امریکا در ویتنام توسعه دهند .

۳ - پشتیبانی کامل از مو قف صحیح جمهوری د مو کرا تیك‌ویتنام وجبههٔ آزادی ملی ویتنام جنو بی راجع به حل سیاسی پرابلم ویتنام صورت گیرد .

از حکو مت ایالات متحد ه امریکا تقاضاشودکه به‌جنگ‌تعرضی خویش‌در ویتنام خاتمه دهد ، بطور قطع از تمام اعمال تجاوز کا را نه بر حاکمیت وامنیت جمهوری دمو کراتیك ویتنام دست‌بردارشود، تمام نیرو های ایا لات متحد ه و متحدین آن یکجا با مواد جنگی شان از ویتنام جنوبی خارج سا خته شوند ، تمام پایگاههای نظامی امریکا در آنجا از بین برده شود ، بمردم ویتنام جنوبی اجازه داده شود که مسایل داخلی شانرا خود شان حل و فصل نمایند و باید مساله‌وحدت مجدد ویتنام از طرف مردم‌هر د و منطقه بدون مداخله خارجی فیصله گردد .

٤ - از تمام سازمانها و افراد صلحدوست و عدالت پسند جها ن دعوت شود که اشکال مختلف‌امداد اخلاقی ، سیاسی و مادی خود رابه مردم و یتنام ازدیاد بخشند .

از کنفرانسهای و سیع مونتر یال وستاکهالم راجع به و یتنام در برج دسمبر ۱۹٦۸ و تمام فعالیت ها ی دیگریکه در راه‌صلح واستقلال‌ویتنام صورت‌میگیرد، پشتیبانی‌بعمل‌آید .

از نهضت ضد طرح قانون نظا می و ضد سیا ست ادا مه جنگ ویتنام جوانان امریکائی پشتیبا نی شود .

شورای جهانی صلح اطمینا ن کامل دارد که‌مردم ویتنام با تصمیم شان برای مبارزه به خاطر منا فع ملی شان و با پشتیبانی فعال مردم جهان ، وظیفه پر شکوه خود را بر ضد تجاوز و بغرض استقلال وآزادی اجرا خواهند کرد و بدینوسیله‌کمك بزرگتری را در راه حفظ صلح و سلام بشریت خواهند نمود .

(متن فیصله دربارهٔ شرق میا نه ودر خواست برای دایرشدن اسامبله جها نی به خا طر صلح در شمارهٔ آینده تقدیم میگر دد)

از (ص ۲)

پیکار عادلانه ما...

و مبارزات دلیرانه ومتحدانه احزاب ملی ومترقی ونیرو های و طنپرست میتواند ضامن تجدید حیا ت جا معه وموجب آوردن تغییرات‌مترقی وتحول بنیادی واساسی در جامعه گردد.

بهر اندزه‌ئی که فعالیت ومبارزه این نیروها آگاهانه، متشکل، قاطع وموثر ومتحد باشد وهرقدر که‌بیشتر توده های وسیع خلق را در بر گیرد بهمان اندازه رشد وترقی اجتماعی سریع، جامع واساسی خواهدبود.

استنباط مترقی علمی از تر قی اجتماعی ورفاه، سلاح نیرومند وقاطع خلق‌کار گر برای صلح، آزادی و عدالت است .این امر به خلق کارگر دورنمای تابناك ورو شنی را نشان میدهد ودر مبارزه اش برای‌ساختمان یك جامعه نوین ومترقی، الهامبخش نبرد نجات بخش اجتماعی وملی است.

از اینجاست که همه نیروهای نجیب وطنپرست و ترقیخواه که‌توافقا **به نیکبختی وترقی افغانستان عشق وعلاقه دارند، باید در راه هدفهای عالیه پنجگانه صلح ، استقلال ، دموکرا سی، ترقی اجتماعی و رفاه عمومی خلق افغانستان محبوب ما، در یك جبهه وسیع ومتحد وطن‌پدری ما، دریك جبهه متحد ودموکراتیك وملی، در یك جبهه ضد دشمنان‌خلق افغا نستان یعنی در جبهه خلق افغانستان مبارزات رهائی‌بخش و والای خودرا متحدانه وشریفانه به پیش ببرند.**

هیچ نیروی ملی و مترقی ، جز نیرو های ار تجاع سیاه دا خلی وامپریالیزم وهواداران برده صفت داخلی‌آن نمیتواند از حقانیت این اهداف دموکراتیك وعا د لانه‌انکار کند.

ماایمان راسخ داریم که‌بهر شکل وصورتی که باشد خلق رنجدیده افغانستان راه خودرا بسوی آزادی، ترقی ورفاه میگشاید. زیرا این راه طبیعی خلقهای رنجدیده است!

درد دل مردم

تائید یك خبر پرچم :

جریدهٔ «پرچم» خبری‌را راجع به سوء استفاده هیأت خریداری «گندم خوش خرید » در دولت آبادبلخ،در شمارهٔ (۲۳) مورخ ۲۹ میزان ۱۳٤۷ خویش زیر عنوان **«اگر راست‌باشد قابل محاکمه است»** انتشار داد.

اکنون ښاغلی روف فارابی (عضو انجمن ښاروالی دولت آباد بلخ)طی نامه‌ئی که بما فرستاده اند ، ضمن تائید موضوع ، چنین اظهار درد دل مینمایند :

«هیأت خریداری گندم خوش خرید دولت آبادبلخ، خریداری‌گندم این محل را با اشخاص‌صاحب نفوذ منطقه قرار داد مینماید و آنها گندم را فی سیر ۲۷ - افغانی ازدهقانان زحمتکش که جهت فروش ببازار میآورند خریداری میکنند ، وقتی به مقدار ۲-۳ هزار سیر گندم تهیه شد ، آنرا به هیأت خریداری‌تسلیم مینمایند وآنگاه هیأت مذکور گندم رافیسیر کابل ۳۵ - افغانی از دولت مجرائی میگیرند وتفاوت‌اینرو قیمت رابا‌شرکای خویش تقسیم‌مینمایند. این وضع اندیشه مردم ، خصوصا جوانان رو شنفکر اینگو شه کشور را بخود جلب نموده واقدامات‌قانونی را در زمینه جداً انتظار میبرند .»

* * *

مشکل ترانسپورت در ولسوالی فرخار :

«ښاغلی بتاوی» ضمن نامهٔ‌مفصلی در توضیح بیداد گریهای هیأ ت اداری که‌بهمدستی ارباب‌نفوذ محلی وطبقات ستمگر برمردم‌بیدفاع‌کشور، خاصه اهالی شریف و زحمتکش ولسوالی فرخار صورت‌میگیرد، در زمینهٔ فقدان وسایل کا فی ترانسپورتی برای اموال تجار تی واهالی آن ولایت وانحصار آن بنفع یکی از صاحبان نفوذ از درد دل خویش و مردم خود چنین پرده بر میدارد :

«برای هفت هزار خانه علاقه‌ به - داری ورسج ولسوالی‌فرخارفقط یك یك موتر گاز، مربوط بیکتن‌از ارباب نفوذ‌محلی، که‌بیش‌از۳۰نفرگنجایش ندارد ، مصروف کار است . دریـن موتر حد اکثر تا هشتاد نفرسواری بالای بار ، انبار می شوند وبرسرك خامه بسوی سرنوشت میروند.چون مالك موتر متصدیان‌امور را«قناعت!» داده است ،نه بدیگر وسایل ترانسپورتی اجازه رفت وآمد درین لین داده می شود ونه کرایهٔ ظالمانه وکمر شکن آن مورد باز خواست قرار میگیرد ، وجالب تر از همه اینکه وقتی در اثر کمی جای وفشار راکبین رنجیده‌ئی فریادکشد،شدیداً مورد ضرب وشتم پسران ما لك موتر قرار میگیرد . بنا برآن‌مسافر بیچاره مجبور است فاصلهٔ تقریباً ٦۰ کیلومتر (ورسج - تالقان) را آه نکشد ووقتی به منزل رسید توان راه رفتن نداشته باشد .

عفو کنید ! این تذکر به خاطر آن نبود که‌توجه به باصطلاح‌مسئولان (!) امور را باینهمه خود سریها و بازیهای منفعت پرستانه با حیات مردم بیچاره این گوشه کشور جلب نمائیم ، ز یرا ا میدا نیم :

گوش‌اگر گوش وی‌وناله‌اگر ناله ماست
آنچه البته بجائی نرسد فریاد است

ولی ،خواستم بدینوسیله صرف‌درد دلی باشما کرده باشم.»

(بقیه ص۲)

برخی از پرنسیپ‌های اتحادیه‌های...

های‌اولیه اتحادیه است که‌در مسایلی چون بهبود شرایط کار ، افزایش دستمزد ، تشکل و رهبری آ نا ن در مبارزات صنفی و اقتصادی،انعقاد قرار داد های دسته جمعی‌با کا ر فرمایان ووارسی کامل از ایفای‌این قرار دادها می‌باشد (قرار داد دسته جمعی ، قرار دادی است که بین ادارهٔ یك تصدی و کمیتهٔ رهبری به نما یندگی از کار گران تصدی عقد میگردد که بر طبق آن هر د و جا نب مکلف به‌انجام آن می‌باشند) هر سازمان اولیه اتحادیه بود جهٔ خودرا دارد که‌از طریق‌حق‌العضویت اعضاء واعانه ها تامین میگردد و در موارد مختلف جهت‌رفع نیازمندیهای اعضاء ان بمصرف میرسد .

مقامات وسطی اتحادیه‌ها :

هریك‌از اتحادیه‌های اصناف دارای مقامات رهبری شهری ،ولسو ا لی وولایتی خود بوده میتواند .بدینمعنی که هرگاه‌دریك‌شهر، ولسوالی و ولایت چندین سازمان اولیه مربوط یك اتحادیه صنفی موجود باشد ، توسط کنفرانس تمام سازما نها ی اولیه اتحادیه مربوط ،کمیته شهر یا ولسوالی و کمیته و لایتی اتحادیه برای دو سال انتخاب میگردد که هیأت رهبری اتحادیه را در محل تشکیل میدهد ودر برابر اتحاد یهٔ مربوط خود مسؤولیت‌دارد از طرف آن به شکل رهبری عمودی ادا ره میگردد . در عین زمان در شهرهای بزرگ یامراکز کارگری رهبر ی افقی به‌نام جرگه شهر یا ولایت نیز میتواند بوجود بیاید .جرگه شهر یاولایت عبارت از رهبری جمعی‌تمام سازمانهای اتحادیه ای آن شهـر یا ولایت است که‌در اثر کنفرا نس سازمانهای اتحادیه‌ای محل مر بوط بوجود می‌آید ویاازهر اتحادیـه نماینده فرستاده می شود و جر گه شهر یا ولایت تشکیل میگردد،این جرگه در موقع اعتصابات وتظاهرات و مبارزات جمعی برای افزایش دستمزد ، تقلیل ساعات کار و غیره نهضت کار گران ،اصناف ،جوانان و غیره را اداره و رهبری مینماید . بنابرین نهضت سندیکای کار گر ی دارای رهبری عمودی وافقی است که مکمل یکد یگر اند . در قسمت مبارزات اختصاصی هیأت های‌رهبری اتحادیه ها در محل مربوط‌صلاحیت دارند .

مقامات عالی اتحادیه‌ها ی‌اصناف:

در افغانستان ممکن است چندین اتحادیهٔ صنفی مستقل تشکیل‌گردد که هریك برای خود مرکز و هسته رهبری و اساسنامه جدا گانه‌داشته باشد که‌درینصورت هیأت‌رهبر ی هر یك از اتحادیه ها که میتوا ن آنرا «کمیتهٔ مرکزی» اتحادیه نا م گذاشت ، برای سه سال از طرف کنگرهٔ اتحادیه‌که‌متشکل ازنمایندگان کمیته های ولایتی اتحادیه می باشد و پس از هر سه سال دایر میگردد انتخاب کرد که بدینترتیب‌کمیته‌های مرکزی اتحادیه‌های صنفی کار گری بطور کلی بمسایل‌مربوط بهمان صنف رسید گی مینما یند ، ما نند مسایل دستمزد،ساعات کار،حفاظت در موقع کار ، اجرای کامل‌قانون کار و بیمه های اجتماعی، رهبری اعتصابات و مبارزات صنفی ونظارت وباز رسی از اوضاع عمومی وصنفی کار گران و غیره .

به‌عقیدهٔ ما در شرایط کنونی‌ممکن است اتحادیه‌های زیرین د ر افغانستان تشکیل گردیده و تمام کار گران ، زحمت کشان و روشنفکران کشور در آنها جمع گردند :

- اتحادیهٔ کار گران نفت و گاز وصنایع کیمیاوی .
- اتحادیهٔ کار گران برق .
- اتحادیهٔ کار گران با فند گی البسه و پاپوش .
- اتحادیهٔ کار گران زراعتی .
- اتحادیهٔ کارگران ساختمانی و صنایع مواد تعمیراتی .
- اتحادیهٔ کارگران موا صلا تی و ترانسپورتی .
- اتحادیهٔ کار گران معادن .
- اتحادیهٔ کار گران صنایع مواد غذائی ، سیلوها ونانوائیها .
- اتحادیهٔ کار گران صنایع‌فلزی وورکشاپها .
- اتحادیهٔ کار گران مطابع .
- اتحادیهٔ کار گران صنایع دستی و پیشه وران .
- اتحادیهٔ کار گران بلدیه ها وخدمات اجتماعی (نظیر روفتگران ، سلمانیها ، حمامی ها،ودوبیهاوغیره)
- اتحادیهٔ حمالان .
- اتحادیهٔ دوکتوران وکار کنان امور صحی .
- اتحادیهٔ کار کنان امور عرفانی و فرهنگی .
- اتحادیه ماموران دو لتی .
- اتحادیهٔ کار گران وما مو ران بانکها وموسسات‌تجارتی وگمرکات.
- اتحادیهٔ محصلان و جوانان .
- اتحادیهٔ مطبوعاتی‌ها وروز نا مه نگاران .
- اتحادیهٔ زنان .

تعداد بیشتر این اتحادیه‌ها پس از آنکه سازمانهای خود را تشکیل و تنظیم نمایند با اعزام‌نماینده های مختار و منتخب خود کنگرهٔ کارگری سر تاسر کشور را تشکیل میدهند که کنگره کار گری سر تاسری عالیترین مقام اتحادیه های اصناف کشور خواهد بود .کنگره ممکن هر چهار سال یکبار تشکیل گر دد و پس از بررسی و حل کلی ترین مسایل کار گری و صنفی هیأ ت اجرائی را انتخاب خواهد کرد و این هیأت که آنرا میتوان «جرگه‌متحد هٔ مرکزی ، اتحادیه‌های کار گر ی افغانستان » نامید ،در فواصل د و کنگره سر تاسری ،امور کار گری و نهضت سندیکائی کشور رااداره خواهد کرد .

جرگهٔ متحدهٔ مرکزی اتحادیه‌های کار گری افغانستان دارای اسا س- نامه خود بوده میتواند .

شیوهٔ کاردراتحادیه‌های کار گری:

تجاربی راکه اتحادیه‌های کار گری در طول مبارزات خوددرکشور ها ی مختلف بدست آورده اند ، نشا ن میدهد که بهترین شیوهٔ کار با ید شامل نکات زیرین باشد :

- در کار اتحا د یه‌وتر بیت کار- گران قبل ازهمه باید روش اقنا ع در پیش گرفته شود .
- پیگیری و پشت کار و روا بط مستقیم و همیشگی با توده ها ی **زحمتکش مطمع نظر باشد** .
- احتیاجات ، دشواریها و خواستهای اعضای اتحادیه و همه زحمتکشان کشور درك گردد .
- اعتماد طبقهٔ کار گر و همه زحمتکشان از طریق پاسخ بمطالبات آنان وکوشش در راه اجرای خواستهای شان ، جلب گردد .
- در اجرای تصمیمات مقا ما ت اتحادیه‌ها باز رسی ووارسی دائم صورت گیرد و علیه کاغذ باز ی و بیرو کراسی مبارزه بعمل آید .

رهبران اتحادیه‌های کار گری‌باید به‌نامه‌ها ، درخواستها و شکایا ت کار گران رسیدگی کنند و تقا ضا- های معقول و ممکن اعضای‌اتحادیه را برآورده سازند .

دربین نکات بالا مهمتر از همه روش اقناع کار گران وزحمتکشا ن و رابطه دایم و پیگیر با توده ها ی عظیم دهقانان و سایر زحمتکشا ن واقشار دمو کراتیك خلق است .